

## بیانیه بیست و سومین سالگرد تأسیس شورای ملی مقاومت ایران

۳۳ سال از تأسیس شورای ملی مقاومت ایران در ۳۰ تیر ۱۳۶۰ و ۵۲ سال از قیام ملی ۳۰ تیر ۱۳۳۱، بازگشت دکتر مصدق رهبر نهضت ملی ایران به قدرت، می‌گذرد.

شورای ملی مقاومت ایران در سالگرد تأسیس خود، یاد همهٔ زنان و مردانی را که در سالهای سیاه از جناح حاکم بر ایران در راه کسب آزادی به شهادت رسیده‌اند، گرامی می‌دارد و به زندانیان سیاسی مقاوم درود می‌فرستد.

شورای ملی مقاومت، در آغاز بیست‌وچهارمین سال حیات خود، یکبار دیگر، هم‌چنان که در «طرح جبههٔ همستگی ملی برای سرنگونی استبداد مذهبی» خاطرنشان کرده است، «با تأکید بر التزام اعضای خود در قبال برنامهٔ شورا و دولت موقت و طرحها و مصوبات و ساختار سیاسی شورا».

و با تأکید بر ضرورت همستگی «نیروهای جمهوریخواهی که با التزام به‌نهی کامل نظام ولایت فقیه و همهٔ جناحها و دسته‌بندیهای درونی آن، برای استقرار یک نظام سیاسی دموکراتیک و مستقل و مبتنی برجدایی دین از دولت مبارزه می‌کنند».

با ملت ایران برای برچیدن نظام ضد مردمی ولایت فقیه و برای تحقق آزادی و عدالت و حاکمیت مردم، که هدفهای مبارزات مردم ایران از انقلاب مشروطه به‌این سو بوده‌اند، تجدید پیمان می‌کند.

جودش مقاومت سازمانیافتهٔ مردم ایران در ۱۶ ماه گذشته، بدون کمترین مبالغه، درگیر سهمگین‌ترین و پیچیده‌ترین کارزار تاریخ حیاتش با دیکتاتوری مذهبی و تروریستی بود. استبداد دینی با تمام قوا کمر به‌انهدام تام وتمام این جنبش بسته بود و از هر سو به‌آن فشار می‌آورد و علیه آن بند و بست و توطئه می‌کرد. رژیم می‌پشت، به‌رغم دهها هزار اعدام و قتل عام زندانیان سیاسی و به‌رغم تهاجمهای تروریستی و نظامی به‌پایگاههای ارتش آزادیبخش از جمله بمبارانها و موشکبارانهایی متوالی قرارگاهها، نتوانسته بود از پس این جنبش برآید، با استفاده از بحرانهای منطقه‌ای و بین‌المللی، به‌دامان کشورهای خارجی آویخت و دستکم امکانات ۹ دولت را برای در هم شکستن این مقاومت به‌کار گرفت.

اما به‌خاطر سیاستها وخطوط اصولی مسئول شورای ملی مقاومت، به‌خاطر پایداری تاریخی و شکیبایی شگفت‌انگیز زندگان قهرمان ارتش آزادی و به‌خاطر حمایتی بیدریغ هموطنانمان در داخل و خارج ایران، مقاومت سازمانیافتهٔ مردم ایران در رویارویی سیاسی، اجتماعی، حقوقی و دیپلماتیک با رژیم ضد مردمی حاکم، توانها و بحرانها را پیروزنده‌انه پشت سر گذاشت و پیروزیهایی مهمی هم کسب نمود.

در این گیرودار، با تلاش مداوم زنان و مردان آزادیخواه ایرانی و مردم آزاده و نیروهای دموکراتیک و مدافع حقوق بشر در سراسر جهان و به‌ویژه مردم شریف عراق در حمایت از مقاومت ایران، برگ زرینی بر مبارزهٔ آزادیخواهان مردم ایران، افزوده شد.

ما از همهٔ زنان و مردانی که در این پیکار سرنوشت‌ساز از مقاومت مردم ایران حمایت کردند سیاست‌گذاری می‌کنیم.

سال گذشته برای رژیم ایران سال بحران و بن بست بود. مبارزات و خیزشهای مردمی، جنبش

که می‌بایست در همین راستا حرکت کند، تن به‌برگزاری انتخاباتی داد که خودش آن را «غیرقانونی» و «غیرعادلانه» توصیف کرده بود.

سپس از تاجزاده سؤال می‌شود: «چرا متحصنین مردم را بسیج نکردند؟» و تاجزاده در پاسخ می‌گوید: «به‌نفع اصلاحات نیست مردم را این چنین به‌خیابانها بکشانیم، به علت این که پتانسیل اعتراض در مردم زیاد است. مخالفان هم به دلیل موقعیتشان می‌توانند به سرعت مسیر اعتراضات را منحرف کنند و آن را به خشونت بکشانند. کافی است دو نفر شعار انحرافی سر بدهند و عده‌ای از آن شعارها حمایت بکنند و یک درگیری پیش بیاید، همان اتفاقی می‌افتد که در ۱۸ تیر افتاد. در ۱۸ تیر اگر دانشجویان از دانشگاه بیرون نمی‌آمدند، می‌توانستند تا یک ماه جانی را که اتفاق افتاده بود به ملت نشان بدهند، اما به محض این‌که بیرون آمدند دستهایی هم در کار بود، بلافاصله خشونت اعمال شد».

تمام نگرانی اصلاح‌طلبان حکومتی در این اعتراف، آشکار شده است: «پتانسیل اعتراض در مردم»، «موقعیت» مؤثر «مخالفان» نظام در بسیج مردم و تکرار رویدادهای ۱۸ تیر سال ۱۳۷۸ «خیزشهای شبانهٔ سال گذشته، می‌تواند «به‌سرعت مسیر اعتراضات را منحرف» و آن را به‌سمت پایان‌دادن به‌نظام جهل و جنایت بکشاند.

شورای ملی مقاومت از آغاز روی کارآمدن خاتمی با روشنی و قاطعیت تأکید کرده بود: «رژیم ضدبشری و ارتجاعی حاکم بر میهنمان بر استبداد مذهبی و ولایت فقیه استوار است و تمامی دسته‌بندیهای درونی آن، از جمله باند خاتمی، در سرکوب مردم، ترور مخالفان و صدور ارتجاع و بنیادگرایی، اشتراک نظر و اشتراک منافع دارند و تا آن‌جا که به مقابله با خواستههای دموکراتیک و ترقیخواهانهٔ مردم ایران برمی‌گردد، هیچ تضادی با یکدیگر ندارند» (قطعه‌نامهٔ شورا، مهر ۷۶).

۲- مجلس هفتم ارتجاع با اعلام وفاداری مطلق به‌ولی فقیه نظام، در صدد است تا با کاهش تضادهای درونی رژیم، به خامنه‌ای برای دستیابی به‌سلاح اتمی و تلاش برای استقرار نظام اسلامی بنیادگرا در عراق یاری برساند. تسلط هرچه بیشتر سپاه پاسداران در مجلس و در نهادهای وابسته به خامنه‌ای، تهدید تعدادی از نمایندگان مجلس به خروج از معاهده منع گسترش سلاح اتمی و تصویب از سرگیری غنی‌سازی اورانیوم در یکی از کمیسوینهای مجلس، نشاندهندهٔ آن است که مجلس ارتجاع در این دوره، مجلسی گوش‌به‌فرمان و به‌مثابهٔ حربهٔ «تهدید» برای چانه‌زنیهای رژیم در عرصهٔ بین‌المللی است.

روز چهارشنبه ۲۷ خرداد ۸۳ خامنه‌ای در دیدار با نمایندگان مجلس هفتم، از «گره‌خوردن اراده‌ها بر سر خواستها و هدفهای بلند و بزرگ» (یعنی دستیابی به‌سلاح اتمی و توسعهٔ بنیادگرایی در عراق) صحبت کرد و گفت: «از شما نمایندگان عزیز هم تشکر می‌کنم به‌خاطر تجاوبی که نسبت به عریضی ما در اول مجلس و پیامی که برای شما فرستادیم، انجام دادید. این خواست و انگیزهٔ دو جانبه و گره‌خوردن اراده‌ها بر سر خواستها و هدفهای بلند و بزرگ، چیز بسیار مبارکی است»، سپس خطاب به‌عمله و اکثرهٔ خود گفت: «تعبیر ذوب در ولایت را غالباً مخالفان شماها - کسانی که می‌خواهند نکته‌گیری کنند و مضمونی بگویند - به‌کار می‌برند، والا بنده این حرف را از آدمهای حسابی کمتر شنیده‌ام، بنده نمی‌فهمم معنای ذوب در ولایت را. ذوب در ولایت یعنی چه؟ باید ذوب در اسلام شد. خود ولایت هم ذوب در اسلام است» (ایسنا ۲۹ خرداد).

همه می‌دانند که مرجع نهایی تعیین اسلام‌بیون هر قانون و تصمیمی بر طبق اصل ۴ قانون اساسی رژیم، ۶ نفر قبه‌های شورای نگهبان می‌باشند که همه‌شان از طرف شخص ولی فقیه گمارده می‌شوند.

سخنان خامنه‌ای خطاب به نمایندگان مجلس هفتم و به‌طور کلی تحولات درونی نظام در سال گذشته، یکبار دیگر صحت نظرات شورای ملی مقاومت را پیرامون ماهیت و عملکرد رژیم بایناباث رساند.

در بیانیهٔ سال گذشتهٔ شورای ملی مقاومت، که ۷ ماه قبل از انتخابات مجلس هفتم منتشر شد، آمده بود: «اگر در گذشته تنها شورای ملی مقاومت ایران بود که می‌گفت نظام ولایت فقیه به‌دلیل تضاد ماهویش با حداقل حقوق شهروندان، قابلیت رفرم، گشایش، اصلاح و استحاله ندارد (قطعه‌نامهٔ شورا، مهر ۷۶)، اکنون در داخل و خارج ایران به ندرت می‌توان کسی را یافت که به‌استحاله و اصلاح استبداد مذهبی دل بسته باشد». در آن بیانیه هم‌چنین پیرامون سینه‌چاکان خاتمی و دوم خردادیه گفته شده بود که: «اکنون همهٔ آن «اندیشه‌سازان» و «تبخان سیاسی» که پس از ۲ خرداد سال ۱۳۷۶ به‌ستارگان نمایشهای رسانه‌ها برای تبلیغ به‌سود خاتمی تبدیل شده بودند، به‌بی‌حاصلی تلاشهایشان اذعان می‌کنند و گرچه فاقد صداقت سیاسی و شهادت اخلاقی برای ریشه‌یابی «نظریه‌سازی»های بی‌محتوا اما جنجال برانگیز خود هستند، اما دیگر کیست که نداند آن همه شرکت در نمایشهای انتخاباتی رژیم، نه‌تنها «نامه‌ها» و «بیانیه‌ها» و «فراخوانها» برای کمکی به «اصلاح» و «رفرم» نکرده، بلکه دست جلدان و دزدخیمان ولایت خامنه‌ای را برای سرکوبی در داخل و ساخت‌وپاختهای ننگین در خارج بازتر کرده است».

شورای ملی مقاومت بر این باور است که نقشهٔ خامنه‌ای در جهت تصفیهٔ درونی نظام و ایجاد مجلس گوش‌به‌فرمان، نمی‌تواند در صحنهٔ داخلی فرصتی برای برون رفت از بحران و بی‌بست رژیم و غلبه بر بحران انقلابی باشد. آن چه به‌خامنه‌ای امکان داد تا این نقشه را طراحی کند و به‌مورد اجرا بگذارد، «فرصت رایگان» عراق برای رژیم تروریستی ایران بود. بنابراین اگر نقشه‌های ولی فقیه در مورد عراق به‌نتیجه نرسد، تلاشهای رژیم برای غلبه بر بحران سرنگونی نقش بر آب می‌شود.

۳- هفت سال پس از روی کارآمدن خاتمی، اکنون همگان می‌توانند قضاوت کنند که چه کسانی حقایق را آنگونه که هست با اطلاع مردم رسانده‌اند و می‌رسانند. هم‌چنین هر انسان آگاه و شرافتمندی می‌تواند به‌خوبی درک کند که علت توطئه‌چینیها و ساخت و پاختهای ننگین رژیم علیه مقاومت ایران، چیزی جز واقع‌گویی و مقاومت و وفاداریش به‌منافع عالی مردم نبوده و نیست.

شورای ملی مقاومت از آغاز اعلام کرده بود: «پروژهٔ قلابی رفرم خاتمی ابتدا با شعارهای «جامعهٔ مدنی» و «قانون‌گرایی» به‌میدان می‌آید، ولی بعد از تغییر «قانون یعنی دفاع از ولایت فقیه» سردرمی‌آورد، از حضور مردم در صحنه سخن می‌گوید، ولی در عمل صرفاً به‌کسب سهم بیشتری از قدرت و مشارکت در دستگاههای حکومتی چشم دوخته است. به‌این ترتیب استحاله‌گر قلابی و مدعی عوام‌فریبی رفرم، با قصد «مشارکت قانونی» در قدرت، مترصد این است که با حذف مقاومت از صحنه، خود را عامل تثبیت نظام ولایت فقیه نشان دهد تا مورد عنایت «ارادهٔ برتر» قرار گیرد (قطعه‌نامه فروردین ۷۸).

بقیه در صفحه ۹